

بررسی ارتباط عوامل آموزشی با انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان حسابداری دانشکده فنی و حرفه ای اظهر اراک)

لیلا حسینی^۱

^۱ کارشناسی حسابداری، دانشکده فنی و حرفه ای اظهر اراک

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تاثیر عوامل آموزشی بر انگیزه پیشرفت تحصیلی دانشجویان حسابداری دختران اراک - اظهر پرداخته است. روش تحقیق توصیفی-پیمایشی است و جامعه آماری شامل دانشجویان دوره کاردانی دانشکده فنی و حرفه ای دانشکده فنی و حرفه ای اظهر اراک به تعداد ۱۰۰ نفر می باشند که نمونه گیری با استفاده از روش تصادفی ساده و فرمول کوکران انجام شد و تعداد ۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار اصلی در این پژوهش پرسشنامه استاندارد می باشد که روایی و پایایی آن تأیید شده است. برای سنجش انگیزه پیشرفت تحصیلی از پرسشنامه حسینی و همکاران (۱۳۸۷) استفاده شد. عوامل آموزشی که در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار گرفتند، عبارت بودند از: محتوای آموزش، استاد، روش تدریس، ارزشیابی، محیط فیزیکی، جو کلاس، و مدیریت که از پرسشنامه پور آتشی و زمانی (۱۳۹۷) استفاده شده است. از نرم افزار SPSS و آزمون های کولموگروف-اسمیرنوف و ضریب همبستگی جهت تحلیل داده ها استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که بین محتوای آموزشی و انگیزه پیشرفت تحصیلی؛ استاد و انگیزه پیشرفت تحصیلی؛ محیط فیزیکی و انگیزه پیشرفت تحصیلی؛ مدیریت و انگیزه پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

واژه های کلیدی: پیشرفت تحصیلی، انگیزه پیشرفت تحصیلی، آموزش.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

کسب علم مهمترین و زیربنایی ترین فعالیتهای انسان است که نقش بسیار اساسی در زندگی فرد و همچنین ایجاد فرهنگ و تمدن و پیشرفت وی دارد. توانایی کسب معلومات از پیشرفته ترین و ضروری ترین توانمندیها و فعالیتهای پیچیده و عالی ذهن انسان است که اساس پیشرفتهای علمی وی را فراهم نموده و موجب شده تا به تمدن پیشرفته ای دست یابد. امروزه کشورهای مترقی دستیابی به فرهنگ و تمدن پیشرفته خود را مدیون عملکرد موفقیت آمیز علمی میدانند و تلاش برای فعلیت بخشیدن به استعدادهای بالقوه جوانان خود دارند. (شاوران و همکاران، ۱۳۸۷).

موفقیت و پیشرفت تحصیلی در هر جامعه نشاندهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف یابی و توجه به رفع نیازهای فردی است. توان کارآمد و بنابراین نظام آموزشی را زمانی می توان موفق دانست که پیشرفت تحصیلی دانشجویان آن در دوره مختلف دارای بیشترین و بالاترین رقم باشد.

از آن که شرط مهم برای رشد و شکوفایی هر جامعه ای وجود افراد آگاه، کارآمد و خلاق است، لذا پرورش و تقویت انگیزه پیشرفت سبب ایجاد انرژی و جهت دهی مناسب رفتار، علایق و نیازهای افراد در راستای اهداف ارزشمند و معین می شود. انگیزش پیشرفت تحصیلی عبارت است از گرایشی همجهانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالیترین معیارهای تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است. انگیزه پیشرفت یکی از مهم ترین انگیزه های اکتسابی هر فرد است که برای نخستین بار توسط موری مطرح شد. انگیزه پیشرفت عبارت از است گرایش فرد برای گذر از سدها، تلاش برای دستیابی به ی اگونه برتری و حفظ معیارهای سطح بالا. کسانی که انگیزه پیشرفت بالا می، دارند خواهند کامل شوند و کارکرد خود را بهبود بخشند. آنان وظیفهشناسانند و ترجیح میدهند کارهایی انجام دهند که چالش انگیز باشد و بر به کاری دست زنند که ارزیابی پیشرفتشان به گونه ای (خواه در مقایسه با پیشرفت دیگران یا خواه بر پایه ملاکهای دیگر)، شدنی باشد. این افراد از عزت نفس برخوردارند، مسئولیت فردی را ترجیح میدهند و دوست دارند که به ی اگونه ملموس از نتایج کار خود آگاه شوند. خوب است، آنها های درسیهمنم در فعالیتهای دانشگاهی و اجتماعی شرکت میکنند، در انجام کارها، همکاری با کارشناسان و صاحبانظران را به همکاری با دوستان خود ترجیح میدهند و در برابر فشارهای اجتماعی بیرونی مقاومت نشان میدهند. اگر کاری را در توان خود ببیند حاضر ی دل به اند تا اندازه دریا بزنند و خطر کنند ولی در، کارهایی مانند شرطبندی در اسبدوانی که نتایج کار کاملاً تصادفی است، حاضر نیستند خود را به دست بخت و تصادف بسپارند(تمنایی فر و گندمی، ۱۳۹۰).

از آنجا که مطالعه انگیزه پیشرفت تحصیلی دانشجویان موضوع بسیار مهمی است، این پژوهش در نظر دارد تا به بررسی ارتباط عوامل آموزشی با انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانشجویان بپردازد. تاکنون پژوهش منسجمی در خصوص رابطه بین عوامل آموزشی و پیشرفت تحصیلی در میان دانشجویان صورت نگرفته است و این مسئله جنبه نوآوری پژوهش حاضر را نشان می دهد.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم انگیزه پیشرفت تحصیلی

انگیزش، پدیده ای است ذاتی که تحت تاثیر چهار عامل، یعنی، موقعیت (محیط و محرک های بیرونی)، مزاج (حالت و وضعیت درونیارگانیزم)، هدف (هدف رفتار، منظور و گرایش) و ابزار (ابزار دستیابی به هدف) قرار دارد. انسانها برای دستیابی به اهداف، نیازها و غرایز خود انگیزش لازم را کسب مینمایند. در خصوص جویندگان علم و دانش آموزان، انگیزه پیشرفت تحصیلی، از اهمیت خاصی برخوردار است. با این انگیزه، افراد تحرک لازم را برای به پایان رساندن موفقیتآمیز یک تکلیف، رسیدن به هدف

یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار خود دنبال میکنند تا بالاخره بتوانند موفقیت لازم را در امر یادگیری و پیشرفت تحصیلی کسب نمایند. بنابراین میتوان گفت انگیزش، دلایل رفتار افراد را نشان میدهد و مشخص می کند که چرا آنها به روشی خاص عمل میکنند. رفتار دارای انگیزه، رفتاری با انرژی، جهتدار و دنباله دار است. پس اگر افراد دارای انگیزه پیشرفت باشند مسلماً زمینه موفقیت و پیشرفت تحصیلی خود را نیز هموار می کنند

انگیزه پیشرفت عبارت است از گرایش های همه جانبه به ارزیابی همه عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و، برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد توأم است. انگیزه پیشرفت عبارت است از نیروی انجان دادن خوب کارها نسبت به استانداردهای عالی. دیوید مک کلند و جان اتکینسون انگیزه پیشرفت را اینگونه تعریف کردند: جستجو کردن موفقیت در رقابت با استانداردهای عالی. شخص با انگیزش پیشرفت نیرومند میخواهد و در برخی از تکالیف چالش برانگیز موفق شود. به طور کلی انگیزش پیشرفت تحصیلی، نیرویی درونی است که یادگیرنده را به ارزیابی همه جانبه عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است سوق می دهد و با اثر گذاشتن بر انواع مختلف فعالیت های تحصیلی به تمایل فرد برای رسیدن به هدف های تحصیلی اشاره دارد. انگیزش تحصیلی با هدف های ویژه، نگرش ها و باور های خاص، روش های نائل شدن به آنها و تلاش و کوشش فرد در ارتباط است. تحقیقات مختلف بر متمایز بودن جهت گیری انگیزشی دانش آموزان در موقعیت های مختلف تاکید دارند. محققان انگیزشی عقیده دارند که انگیزه پیشرفت، یک تعامل بین متغیرهای موقعیتی و انگیزه مربوط به فرد برای رسیدن به موفقیت است. این دو به طور مستقیم در پیش بینی رفتار، درگیر دو نوع انگیزه ضمنی و صریح هستند. انگیزه های ضمنی، خود به خود عمل می کنند و از آن به انجام وظیفه نیز نام برده می شود و از طریق مشوقهای ذاتی برای انجام کار تحریک می شوند. اما انگیزه های صریح از طریق انتخاب عمدی و اغلب برای دلایل بیرونی تحریک می شوند انگیزش پیشرفت به صورت نوعی تعادل بین هنجارها و عقاید زیربنای گرایش به موفقیت در برابر هیجان ها و عقاید زیربنای گرایش به اجتناب از شکست وجود دارد.

از نظر عابدی (۱۳۸۴) انگیزش پیشرفت تحصیلی تمایل فراگیر است به آن که کاری را در قلمرو خاصی به خوبی انجام دهد و عملکردش را به طور خود جوش ارزیابی کند. از این رو غالب رفتارهایی که انگیزش تحصیلی را نشان می دهند عبارتند از پافشاری برانجام تکالیف دشوار، سخت کوشی یا کوشش در جهت یادگیری در حد تسلط و انجام تکالیفی که به تلاش نیاز دارد. بنابراین انگیزش تحصیلی یک حالت روان شناختی است و زمانی حاصل می شود که انسان خود را دارای کفایت الزم و خود کنترلی بداند. خود کنترلی به دو بخش تقسیم می شود: فرصت کنترل و توانایی کنترل. فرصت کنترل عبارت از فرصتی است که به دانش آموز داده می شود تا برای امر تحصیل خود تصمیم بگیرد و توانایی کنترل عبارت از موقعیتی است که دانش آموز باید در آن احساس کفایت داشته باشد تا بتواند بر آن کنترل و تسلط داشته باشد. انگیزش پیشرفت را حاصل سه مولفه نیاز به پیشرفت، احتمال دست یابی به موفقیت و ارزش مشوق موفقیت می داند. نیاز به پیشرفت به معنای حالت انفعالی است و تلاش نسبتاً ثابت فرد برای کسب موفقیت است که همان حالت احساس غرور برای به اتمام رساندن کار است. احتمال موفقیت یعنی انتظار عملی که باعث دست یابی به هدف می شود و یک امر ذهنی باباور شخصی درباره شانس دست یابی به هدف است. ارزش مشوق موفقیت با احساس غرور در ارتباط با کار معین مشخص می شود، بدین معنا که کسب موفقیت در تکالیف دشوار نسبت به کسب موفقیت در تکالیف ساده احساس غرور پدید می آورد و در نهایت، با کاهش احتمال موفقیت، ارزش مشوق افزایش می یابد.

عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی را میتوان به عنوان یکی از مهمترین بازدههای نظام آموزشی در نظر گرفت. این بازده از طریق آزمونهای استاندارد شده یا معلم ساخته اندازه گیری میشود. فارغ از جهت گیریهای احتمالی در این آزمونها، پیشرفت تحصیلی حاصل

عوامل متعددی است و طبیعی است که هیچ محقق نمی‌تواند به قطعیت ادعا کند که تمام عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی را در یک مطالعه بررسی و مدلی جامع برای آن ارائه کرده است. چنین کاری لزومی ندارد، چون این عوامل از جامعهای به جامعه دیگر و محیط دیگر قابل تغییر است. پس به منظور بررسی مهمترین عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی در میان جوامع مختلف، لازم است با مراجعه به تحقیقات انجام شده مؤثرترین متغیرها را انتخاب و تأثیر این متغیرها را در پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان مطالعه. (ابوالقاسمی و همکاران، ۱۳۹۲).

با رویکردی جامع می‌توان عوامل مؤثر بر پیشرفت یا عدم پیشرفت تحصیلی را در قالب دو دسته عوامل فردی و محیطی مطرح و بررسی کرد. مؤلفه‌هایی نظیر جنسیت، وضعیت تأهل، پیشینه تحصیلی، عزت نفس، اضطراب، افسردگی، هوش، جزو عوامل فردی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی هستند. عوامل محیطی، شرایط و زمینه‌های خانوادگی، اجتماعی و محیطی اثرگذار بر پیشرفت یا عدم پیشرفت تحصیلی دانشجویان است که از این دسپته می‌توان به وضعیت اجتماعی - اقتصادی، وضعیت سکونت، اشتغال و امکانات رفاهی اشاره نمود. واقعیت آن است که این عوامل و متغیرها چنان در هم تنیده اند و با یکدیگر کنش متقابل دارند که تعیین سهم هر یک به راحتی امکانپذیر نیست، با وجود این تحقیقات نشان می‌دهند که در بین این عوامل، عوامل آموزشی و فردی با ماهیت شناختی و اجتماعی، بیشترین تأثیر را بر پیشرفت تحصیلی دارند. (صادقی موحد و همکاران، ۱۳۹۲).

عوامل آموزشی

۱) محتوای آموزش:

محتوای آموزشی، دانشجویان را از راه فرایندهای یادگیری در کلاس درگیر می‌کند که به توسعه دانش و مهارت‌هایی منجر خواهد شد تا دانشجویان بتوانند در رشته‌ی تخصصی‌شان دیدگاه‌هایی را مطرح کنند و ارتباط آنها را با کاربرد در محیط‌های کاری بیابند، برای به کار بردن دیدگاه‌ها و آموخته‌هایشان در جهان واقعی راهکار ارائه دهند و در محیط کاری رقابت کنند. (حمیدی فر و همکاران، ۱۳۹۶).

محتوای آموزشی به مجموعه‌ای از عکس‌ها، متن‌ها، و انیمیشن‌های صوتی و تصویری گفته می‌شود که به کمک تکنولوژی رایانه‌ای پدید آمده تا یک مبحث درسی را آموزش دهد. این محتواهای آموزشی توسط مدرسان این دروس و متخصصین رایانه ایجاد می‌شود و برای اجرا و یادگیری در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد.

هر محتوای آموزشی که برای یادگیری ارائه می‌شود، باید کاربردی و مفید باشد. محتوای آموزشی باید متناسب با نیاز فراگیران باشد، و مطالب آن به روز و دقیق باشد در نهایت اینکه باید برای افراد قابل یادگیری باشد. چنانچه افراد هنگام آموختن نقش فعالی داشته باشند، یادگیری شکل مؤثری پیدا می‌کند؛ بدین منظور در تدریس مطالب و ارائه محتوای آموزشی نباید از سخنرانی‌ها طولانی و حفظ مطالب استفاده کرد، چرا که آموختن باید همراه با درک مطلب باشد.

از دیگر ویژگیهای محتوای آموزشی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- محتوای آموزشی باید واضح و قابل درک و ساده و روشن باشند.

۲- سنجیدنی باشند.

۳- محتوای آموزشی باید نیاز فراگیران را برطرف سازد.

۴- براساس پدیده‌های علمی باشند

(۵) رفتاری باشند.

در انتخاب و تنظیم محتوای آموزشی دو نظر و روش جداگانه وجود دارد: یکی نظر دانشمندان حرفه ای و اصحاب علم است که بر روشهای حرفه ای دانش پژوهی و تحقیق تأکید می کنند و بر آن اند که در تنظیم محتوا، به سازمان منطقی موضوع آموزشی توجه شود. این افراد که از اهمیت سازمان منطقی موضوع آموزشی دفاع می کنند و آن را ملاک و مرجع اصلی برای تنظیم محتوا می دانند، این واقعیت را نادیده می گیرند که باید فراخور رشد ذهنی و شناختی فراگیر باشد.

دیگری، نظر مدرسان تربیتی است که روی روش های آموزش و یادگیری تأکید می کنند و بر این موضوع توجه دارند که در تنظیم محتوای آموزشی، به ساختار سازمان روان شناختی و تجارب یادگیری باید توجه شود. این افراد به طور معمول به توالی روان شناختی تجارب یادگیری اهمیت می دهند و این واقعیت را نادیده می گیرند که از هر نوع که باشد دارای ساخت معین و منطقی است و نباید به این منطقی در سازمان دهی برای یادگیری، بی اعتنا بود. در هر حال در تنظیم محتوای آموزشی هر دو جنبه، یعنی منطقی موضوع آموزش و توالی روان شناختی تجارب یادگیری را باید در نظر داشت. برای تدوین محتوای آموزشی باید به اصول تولید محتوا، مفهوم سازی در محتوا، سازماندهی محتوا، نوشتن و ارزشیابی محتوا توجه نمود.

محتوای آموزشی، دانشجویان را از راه فرایندهای یادگیری در کلاس درگیر میکند که به توسعه دانش و مهارتهایی منجر خواهد شد تا دانشجویان بتوانند در رشتهی تخصصیشان دیدگاههایی را مطرح کنند و ارتباط آنها را با کاربرد در محیطهای کاری بیابند، برای به کار بردن دیدگاهها و آموخته هایشان در جهان واقعی راهکار ارائه دهند و در محیط کاری رقابت کنند .
(حمیدی فر و همکاران، ۱۳۹۶)

(۲) استاد

توانایی ها و انگیزه ها و روشهای یادگیری در افراد متفاوت هستند و در یادگیری بهینه و مناسب سبک یادگیری ویژه ی هر فراگیر مد نظر قرار می گیرد. لذا، آموزشگران می توانند با ایجاد جو مناسب و شرایط لازم، خلاقیت فراگیران را توسعه بخشند و یا با رفتارهای نادرست، اعتماد به نفس آنان را از بین برده و بازدارنده ی رشد خلاقیت آنها شوند. آموزشگران با رفتارهایی مانند پرسیدن پرسشهایی باز پاسخ، داشتن سعه ی صدر در برابر آنها مو تحمل آن، ارائه ی رفتار تفکر خلاق، تشویق فراگیرانی که پاسخهای غیر منتظره می دهند، خلاقیت فراگیران را رشد می دهند. این آموزشگران کلاسهایی فراگیر محور دارند. آنان با آموزش به فراگیران و تقویت روحیه شان در پذیرش باورها و اندیشه های نو و موثر و همچنین، تشویق فراگیران به استفاده از خود ارزیابی منظم و توضیح مفهوم ها برای یادگیری را مهم جلوه می دهند و باعث رشد تفکر خلاق فراگیران می شوند
(حمیدی فر و همکاران، ۱۳۹۰).

(۳) روش تدریس

مجموعه تدابیر منظمی که معلم برای رسیدن به هدف با توجه به شرایط و امکانات اتخاذ می کند روش تدریس می نامند که موجب ایجاد شرایط مطلوب یادگیری در دانش آموزان می شود و روند آموختن را تسهیل می نماید. الگوی تدریس یکی از مباحث اساسی و بنیادی تعلم و تربیت است انتخاب الگوی تدریس به نوع آگاهی معلم از فلسفه و نگرشهای تعلیم و تربیتی بستگی دارد. انتخاب روش تدریس یکی از مراحل مهم طراحی آموزشی است معمولاً معلم بعد از انتخاب محتوا و قبل از تعیین وسیله و خط مشی، روش مناسب تدریس خود را انتخاب می کند تدریس از روشها و فنون بسیار دقیق و حساسی برخوردار است چنانچه با روشهای علمی و با درایت و نکته سنجی لازم بکار گرفته شود. به فراگیران کمک می کند تا در فعالیت یادگیری موفق شوند و همچنین به مدرسان کمک می کند تا با اطمینان و اعتقاد به خود از حداکثر توان در جهت تسهیل امر یادگیری و تاثیرپذیری بهره گیرند.

روش تدریس در هر موقعیت تدریس و یادگیری از مولفه های مهم به شمار می رود، چرا که روش تدریس مطلب مورد تدریس و یادگیری سبب می شود که فراگیران به موضوع آموزشی علاقه مند گردند و یا به طور کل به آن موضوع بی علاقه گردند. روش تدریس تعیین کننده این است که آیا فراگیران جهت یادگیری برانگیخته، علاقه مند، و درگیر در فرایند یادگیری شده اند و یا نه (پور آتشی و زمانی، ۱۳۹۷).

۴) ارزشیابی

ارزشیابی در لغت به معنای داوری در مورد نتایج سنجش از دانش آموز است. وقتی کسی در یک دوره آموزشی یا برنامه به فعالیت هایی بپردازد و بخواهیم میزان کارآمدی آن و نقاط ضعف و قوت و همچنین تغییر در رفتار یادگیرندگان را مورد قضاوت و داوری قرار دهیم از ارزشیابی استفاده می کنیم. ارزشیابی چهار مرحله دارد که عبارتند از: (۱) آمادگی (۲) سنجش (۳) ارزشیابی (۴) انعکاس (قوامی راد و همکاران، ۱۳۹۹).

ارزشیابی، بخش مهمی از فرایند آموزش و تجربه یادگیری فراگیران است. به عبارت دیگر، روش ارزشیابی از آموخته ها از یک سو، ابزار یا عامل مهمی در تعیین ثمر بخشی یا تاثیر فعالیت های انجام شده و شناسایی نتایج، برای بهبود بخشیدن به فرایند یادگیری و از سوی دیگر، برای فراگیران یک تجربه ی یادگیری شمرده می شود. روش ارزشیابی با روش یادگیری دانشجویان مرتبط است. به طور مثال، استفاده از ارزشیابی های باز و تاکید بر انجام پروژه ها منجر به تقویت ادراک و یادگیری های مستقل و عمیق تر دانشجویان می شود. (حمیدی فر و همکاران، ۱۳۹۶).

۵) محیط فیزیکی:

محیط یادگیری شامل کلیه ی شرایط و امکانات فیزیکی، روانی، عاطفی، عوامل فرهنگی و اجتماعی است که بر رشد و توسعه ی یادگیرنده در یک موسسه آموزشی تاثیر می گذارد. بوم محیط یادگیری را به عنوان شرایط، نیروها و محرک های بیرونی که فرد را به چالش می کشاند، تعریف می کند این نیروها ممکن است شرایط و نیروهای فیزیکی، اجتماعی، فکری و ذهنی باشند.

در تئوریهای یادگیری بزرگسالان، آموزش عبارتست از ایجاد شرایط جو مساعد برای یادگیری، انتقال دانش و سهیم نمودن یادگیرنده در مهارت های مختلف. سنجش محیط یادگیری، ارزیابی ماهیت اقدامات آموزشی در یک دانشکده است.

محیط آموزشی در دانشگاه ها نقش مهمی در تربیت فارغ التحصیلان ماهر ایفا می کند مهم ترین ابعاد در محیط، فعالیت های تدریس و آموزش و همچنین تعامل مدرس دانشجو در محیط روزمره دانشگاه هاست. در محیط یادگیری مدرسین تاثیر زادی بر یادگیری اثربخش دارند. همچنین محیط آموزشی بر رفتار دانشجو تاثیر بسزایی دارد و با موفقیت، رضایت و تحقق اهداف دانشجو ارتباط دارد. یک محیط یادگیری خوب برای ارایه ی آموزش با کیفیت حیاتی است. (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲)

یکی از عوامل مؤثر تربیتی در آموزش و پرورش نوین، چگونگی معماری، کالبد و فضای آموزشی است. در تعلیم و تربیت جدید، فضای کالبدی آموزشی باید چنان باشد که، به عنوان عاملی زنده و پویا، در کیفیت فعالیت های آموزشی و تربیتی فراگیران ایفای نقش کند. بدین معنا که فعالیت های آموزشی و پرورشی دانشگاه بایستی در فضاهای مناسب و دارای ابعاد استاندارد و براساس نیازها و علایق دانشجویان انجام پذیرد تا معلم در تدریس و شاگرد در یادگیری احساس رقبت و انگیزه نموده و از فعالیت خود لذت ببرد. (طباطبایان و همکاران، ۱۳۹۰)

به طور کلی می توان گفت که محیط فیزیکی شامل همه آن چیزهایی (اعم از جاندار و بی جان) است که در محیط قرار دارد بر رفتار ما تأثیرگذار است. این فضای فیزیکی در دانشگاه به عنوان یکی از اجزای محیط یادگیری، بر کیفیت آموزش تأثیر بسزایی دارد و از عوامل مهم و مؤثر بر یادگیری و جزو جدایی ناپذیر فرایند تدریس محسوب میشود. (جلیلی، ۱۳۸۹)

۶) جو کلاس:

کلاس به عنوان جامعه ی کوچک و فرعی از افراد متفاوتی تشکیل شده است که از نظر تجارب، فرهنگ، شخصیت و ... باهم متفاوت اند. این افراد خصوصیات خود را به درون کلاس می آورند و به همین دلیل جو روانی - اجتماعی متفاوتی بر کلاس ها حاکم است. بنابراین تشکیل دهندگان جو روانی - اجتماعی کلاس معلم و دانش آموزانند که هدف عمده ی آنها آموزش و فراگیری است. پس برای آموزش و یادگیری لازم است که جو مطلوب و مناسبی در کلاس ها دایر باشد. جو مطلوب و مناسب، روابط مثبت و هدف داری است که میان معلم و دانش آموزان در کلاس وجود دارد و دارای (کارایی) است. در تحقیق وانگ و هارتل (۱۹۹۳-۱۹۹۴) نشان داده شده است که جو کلاس به ابعاد اجتماعی - روان شناختی بستگی دارد و مدیریت کلاس، اگر خوب باشد باعث افزایش مشارکت دانش آموزان، کاهش رفتار های مخرب و استفاده ی مناسب از زمان آموزش می شود. (عطوفی سلمانی و همکاران، ۱۳۸۷)

محیط و جو حاکم بر یادگیری از عوامل تاثیرگذار در فرایند یاددهی و یادگیری به شمار می رود. بررسی جو روانی - اجتماعی کلاس درس دانش آموزان و رابطه آن با انگیزه و پیشرفت تحصیلی همواره مورد توجه معلمان، مدیران و والدین و تمامی دست اندرکان آموزش و پرورش بوده است. جو اجتماعی کلاس به عنوان یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر فرایند یاددهی - یادگیری مطرح است. (طلایی، ۱۳۹۹)

۷) مدیریت

دانشگاه یکی از نهاد های اصلی جامعه است که تعلیم و تربیت و ساختن انسان مطلوب و مؤثر را در جامعه به عهده دارد. اعضای هیات علمی در دانشگاه بزرگترین نقش را در بهبود کیفیت آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی دانشگاه ایفا می کنند و بدیهی است که دانش تخصصی استادان هنگامی میتواند کارایی خوب داشته باشد که با سبک های مناسب مدیریت کلاس مورد بهره برداری مخاطبان قرار گیرد. از میان عناصر کلاس درس، نقش استاد و سبک مدیریتی او در تحقق اهداف آموزشی و تربیت دانش آموزانی متناسب با جهان امروز بسیار مهم و اساسی است. مهم ترین نقش استاد در کلاس درس، این است که دانسته های خود را به دانشجویان انتقال دهد اما دانشجویان هریک ویژگی های خاص به خود دارند و همین امر موجب میشود یک روش آموزش مخصوص، نیاز های یادگیری کلیه دانشجویان را برآورده نسازد. برای مدرسان هیچ چالشی بالاتر از رفتار دانشجویان نیست و آن ها صرفا با یادگیری مهارتی یا روش های مدیریت عمومی نمیتوانند با این چالش برخورد کنند. اما مدیریت کلاس شامل روش ها و فنون بسیار دقیق و حساسی است که اگر به موقع و با درایت و نکته سنجی لازم به کار رود به فراگیران کمک میکند تا در فرایند یادگیری موفق باشند و به مدرسان کمک میکند تا با اطمینان و اعتماد به نفس از حداکثر توان در اسان کردن یادگیری و تاثیرپذیری بهره گیرند. (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۴).

بردون (۲۰۰۳) بیان میکند که مدیریت کلاس باید رابطه اجتماعی مثبت و فعال در یادگیری را تشویق کند بدیهی است که در آموزش و تعلیم و تربیت دانش آموزان رابطه مناسب و متقابل دو طرفه بسیار مهم است. برای انجام این کار، معلم باید بر اساس یک سبک مدیریتی که مبتنی بر روابط سازنده و مولد با دانشآموزان است، عمل کند. (رمضانی نژاد، ۱۳۸۲)

پیشینه پژوهش

پور آتشی و زمانی (۱۳۹۷) پژوهشی با هدف بررسی تاثیر عوامل آموزشی بر فرسودگی تحصیلی دانشجویان انجام دادند. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دوره کارشناسی دانشکده های کشاورزی دانشگاه های دولتی بودند و جهت مطالعه، از روش نمونه گیری چند مرحله ای استفاده شد. تعداد دانشجویان کارشناسی مشغول به تحصیل در دانشکده های منتخب ۶۳۵۲ نفر بود و براساس فرمول کوکران، تعداد نمونه مناسب، ۲۴۷ نفر به دست آمد. جهت گردآوری داده های مربوط به فرسودگی تحصیلی از پرسشنامه فرسودگی تحصیلی ماسلاچ که توسط برسو و همکاران مورد بازبینی قرار گرفت؛ استفاده شد و جهت گردآوری داده های مربوط به میزان رضایت دانشجویان نسبت به عوامل آموزشی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. پس از تایید روایی و پایایی پرسشنامه و گردآوری اطلاعات، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از ضریب همبستگی بیانگر ارتباط منفی و معنی دار بین عوامل آموزشی و ابعاد فرسودگی تحصیلی بود. در نهایت، براساس نتایج مربوط به ضرایب رگرسیون، محتوای آموزش بیشترین تاثیر را بر ابعاد خستگی تحصیلی و بی علافگی تحصیلی و روش تدریس بیشترین تاثیر را بر ناکارآمدی تحصیلی دارد.

حمیدی فر و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با هدف بررسی نقش مولفه های آموزشی در یادگیری دانشجویان انجام دادند. این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ روش گردآوری و استنتاج داده ها استقرایی- تحلیلی و از لحاظ نحوه اجرا و طرح تحقیق پیمایشی است و همچنین به دلیل بررسی میزان تاثیر مولفه های آموزشی (روش تدریس خلاق، محتوای آموزشی، ارزشیابی، محیط فیزیکی، آموزشگر و مدیریت) بر یادگیری دانشجویان، این تحقیق از نوع پژوهش های توصیفی می باشد. ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه با ۴۹ سنج در قالب طیف لیکرت (خیلی زیاد تا خیلی کم) استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرری می باشد. برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از تحلیل رگرسیون استفاده شده است. نتایج به دست آمده حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام نشان میدهد که چهار عامل محتوای آموزشی، ارزشیابی، آموزشگر، روش تدریس در چهارگام به ترتیب وارد معادله رگرسیون شدند و در مجموع ۴۹/۱ درصد از واریانس تاثیر در یادگیری را تبیین میکنند.

عزیزی (۱۳۹۶) پژوهشی با هدف بررسی رابطه انعطاف پذیری استادان با پیشرفت تحصیلی دانشجویان انجام دادند. جامعه تحقیق شامل کلیه دانشجویان کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران بود که تعداد ۲۰۰ دانشجو از طریق روش نمونه گیری تصادفی ساده بعنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه های استاندارد بود. پرسش نامه ها در بین افراد نمونه توزیع و پس از جمع آوری، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که انعطاف پذیری استادان تاثیر معنی داری بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دارد.

رجبی و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با هدف تعیین رابطه بین سبکهای تدریس اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان با انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانشجویان انجام دادند. این مطالعه بر روی نمونه ۹۶۹ نفری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ انجام شد. در این پژوهش از پرسشنامه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمونهای توصیفی و استنباطی Friedman و Spearman صورت گرفت. یافته ها حاکی از آن بودند که بین سبک تدریس و پیشرفت تحصیلی؛ و سبک تدریس و انگیزش ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

گلمرادی زاده و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با هدف تبیین رابطه استاد و دانشجو و تاثیر آن بر یادگیری دانشجو، در راستای ارتقاء سطح کیفی آموزش، کسب ایده های جدید برای پیشرفت علمی در سطح آموزش عالی و کسب مهارت ها بر اساس تکنولوژی عصر حاضر تدوین کردند. مطالب این مقاله بر اساس خاطرات و مصاحبه شکل گرفته بود و اطلاعات به شیوه کتابخانه ای جمع آوری شده است. روش پژوهش آنها نیز از نوع کیفی بود و به شیوه پژوهش روایی انجام شده بود. یافته ها و نتایج این تحقیق حاکی از آن است، که شاید روابط استاد و دانشجو، در سالهای

اخیر پاسخگوی سریع انتقال داده ها، که شتابان هر روز در جهان اتفاق می افتند، نباشد اما می تواند راهکاری مناسب در جهت بازنگری در امر تدریس باشد و مورد نیاز جامعه واقع شود و لازمه این امر ارتباط خوب بین استاد و دانشجو است. همچنین، لازم است برای بالا بردن کیفیت آموزش از دو پارامتر اصلی یعنی تدریس و یادگیری در برنامه ریزی آینده که توسط دستگاههای وابسته به آموزش صورت می گیرد، رابطه بین استاد و دانشجو بهینه سازی شود تا در افق آینده در صدر قرار گیرد.

مطالعه رحمانزاده و همکاران (۱۳۹۲) در خصوص (مطالعه رابطه بین مهارت های ارتباطی اساتید دانشکده فنی دختران تهران ولی عصر با اثر بخشی آموزشی) نشان داد هر اندازه مهارت های ارتباطی اساتید بیشتر تقویت شود، اثربخشی گروه های علمی، ایجاد انگیزه یادگیری در دانشجویان و پیشرفت تحصیلی دانشجویان افزایش می یابد و همچنین اندازه مهارت های ارتباطی کالمی و غیر کالمی اساتید بیشتر تقویت شود، اثربخشی گروههای علمی افزایش می یابد.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری شامل دانشجویان مقطع کاردانی رشته حسابداری دانشکده فنی و حرفه ای اطهر اراک ورودی سال تحصیلی ۹۹-۹۸ به تعداد ۱۰۰ نفر می باشند که با روش نمونه گیری تصادفی ساده و فرمول کوکران تعداد ۱۰۰ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. عوامل آموزشی که در مطالعه حاضر مورد بررسی قرار گرفتند، عبارت بودند از: محتوای آموزش، استاد، روش تدریس، ارزشیابی، محیط فیزیکی، جو کلاس، و مدیریت که از پرسشنامه پور آتشی و زمانی (۱۳۹۷) استفاده شده است. برای انگیزه پیشرفت تحصیلی نیز از پرسشنامه انگیزه پیشرفت تحصیلی حسینی و همکاران (۱۳۸۷) استفاده شده است. این پرسشنامه بر اساس نظریه دیوید مک لند (۱۹۵۳) ساخته شده و ۴۰ سوال دارد که با طیف پنج گزینه ای لیکرت کاملاً موافقم ۵، موافقم ۴، نظری ندارم ۳، مخالفم ۲ و کاملاً مخالفم ۱ نمره گذاری شده است. جهت تعیین روایی پرسشنامه از روایی صوری و اعمال نظر متخصصان استفاده گردیده است. جهت تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برای پرسشنامه عومل آموزشی ۰,۹۶؛ برای پرسشنامه انگیزه پیشرفت تحصیلی ۰,۷۲۷ و برای کل پرسشنامه ۰,۹۰۷ به دست آمد که این مقادیر جهت تایید پایایی پرسشنامه قابل قبول است. از نرم افزار SPSS و آزمون های کولموگروف-اسمیرنوف و ضریب همبستگی جهت تحلیل داده ها استفاده شده است.

یافته های پژوهش

آزمون نرمال بودن داده ها

برای بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده می شود. فرضیات این آزمون عبارتند از:

H0: توزیع داده های مربوط به گویه های پرسشنامه پژوهش نرمال است.

H1: توزیع داده های مربوط به گویه های پرسشنامه پژوهش نرمال نیست.

نتایج حاصل از این آزمون در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: آزمون نرمال بودن داده ها

متغیرها	محتوای آموزشی	استاد	روش تدریس	ارزشیابی	محیط فیزیکی	جو کلاس	مدیریت	انگیزه پیشرفت تحصیلی
تعداد	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰
میانگین	۳,۵۳۵۴	۳,۵۵۷۱	۳,۴۱۶۷	۳,۴۰۲۵	۳,۲۴۵۰	۳,۶۶۷۵	۳,۷۴۵۰	۳,۴۴۳۱
انحراف معیار	۰,۸۹۹۱۷	۰,۸۶۶۰۲	۰,۸۲۷۱۹	۰,۷۶۴۰۶	۱,۰۸۶۶۲	۰,۹۵۳۰۵	۰,۹۰۰۶۲	۰,۳۲۰۷۵
Sig	۰,۲۵۶	۰,۶۲۸	۰,۱۰۹	۰,۶۹۳	۰,۷۸۳	۰,۱۰۲	۰,۱۰۰	۰,۹۰۶

با توجه سطح معنی داری آماره آزمون کولموگروف-اسمیرنوف متغیرهای پژوهش در جدول ۴-۹ مشخص شد که سطح معنی داری آماره آزمون کولموگروف-اسمیرنوف تمام متغیرهای یاد شده بیشتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ است. در نتیجه فرض H₀ برای تمام متغیرها پذیرفته می شود. به عبارت دیگر می توان گفت که توزیع داده ها نرمال است.

آزمون ضریب همبستگی

به منظور بررسی ارتباط بین عوامل آموزشی با انگیزه پیشرفت تحصیلی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر اول	متغیر دوم	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری
محتوای آموزشی	انگیزه پیشرفت تحصیلی	۰,۳۲۶	۰,۰۰۳
استاد	انگیزه پیشرفت تحصیلی	۰,۲۵۸	۰,۰۲۱
روش تدریس	انگیزه پیشرفت تحصیلی	۰,۱۹۶	۰,۰۸۱
ارزشیابی	انگیزه پیشرفت تحصیلی	۰,۰۱۵	۰,۸۹۲
محیط فیزیکی	انگیزه پیشرفت تحصیلی	۰,۲۴۶	۰,۰۲۸
جو کلاس	انگیزه پیشرفت تحصیلی	۰,۱۱۲	۰,۳۲۲
مدیریت	انگیزه پیشرفت تحصیلی	۰,۲۳۸	۰,۰۴۳

نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان می دهد که بین محتوای آموزشی و انگیزه پیشرفت تحصیلی؛ استاد و انگیزه پیشرفت تحصیلی؛ محیط فیزیکی و انگیزه پیشرفت تحصیلی؛ مدیریت و انگیزه پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همانطور که نتایج نشان داده است، ضریب همبستگی بین محتوای آموزشی و انگیزه پیشرفت تحصیلی معادل $r=0/326$ با $sig=0/003$ ؛ ضریب همبستگی بین استاد و انگیزه پیشرفت تحصیلی معادل $r=0/258$ با $sig=0/021$ ؛ ضریب همبستگی بین محیط فیزیکی و انگیزه پیشرفت تحصیلی معادل $r=0/246$ با $sig=0/028$ ؛ ضریب همبستگی بین مدیریت و انگیزه پیشرفت تحصیلی معادل $r=0/238$ با $sig=0/043$ بوده است. از اینرو می توان گفت که بین محتوای آموزشی، استاد، محیط فیزیکی و مدیریت با انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانشجویان رابطه مثبت با اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. یعنی با افزایش هر

یک از این عوامل انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانشجویان افزایش پیدا می کند که نشان از وجود رابطه مستقیم بین این متغیرها است.

بر اساس نتایج حاصله، رابطه بین روش تدریس با انگیزه پیشرفت تحصیلی؛ ارزشیابی با انگیزه پیشرفت تحصیلی؛ جو کلاس با انگیزه پیشرفت تحصیلی مورد تایید قرار نگرفت.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

به طور کلی انگیزش پیشرفت تحصیلی، نیرویی درونی است که یادگیرنده را به ارزیابی همه جانبه عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و برخوردار از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است سوق می دهد و با اثر گذاشتن بر انواع مختلف فعالیت های تحصیلی به تمایل فرد برای رسیدن به هدف های تحصیلی اشاره دارد.

انگیزش پیشرفت تحصیلی یکی از ملزومات یادگیری به حساب می آید و چیزی است که به رفتار شدت و جهت می بخشد و در حفظ و تداوم آن به یادگیرنده کمک می کند. با این انگیزه افراد، تحرک لازم را برای به پایان رساندن موفقیت آمیز یک تکلیف، رسیدن به هدف، یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار خود دنبال می کنند تا بالاخره بتوانند موفقیت لازم را در امر یادگیری و پیشرفت تحصیلی کسب کنند.

این تحقیق، به منظور بررسی تاثیر عوامل آموزش بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان انجام شد. برای این منظور تعداد ۱۰۰ نفر از دانشجویان دوره کاردانی حسابداری ناپیوسته دانشکده اراک - اظهر به عنوان نمونه و تصادفی انتخاب شدند. نتایج ضریب همبستگی نشان داد که بین محتوای آموزشی، استاد و انگیزه پیشرفت تحصیلی، محیط فیزیکی و انگیزه ی پیشرفت تحصیلی، مدیریت و انگیزه پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد. براساس نتایج حاصله، رابطه بین روش تدریس با انگیزه پیشرفت تحصیلی، ارزشیابی با انگیزه پیشرفت تحصیلی، جو کلاس با انگیزه پیشرفت تحصیلی مورد تایید قرار نگرفت.

برای بهبود انگیزه ای پیشرفت تحصیلی در دانشجویان می بایست راهکارهای مختلفی را امتحان کرد به دلیل اینکه فضای آموزشی حاکم در هر رشته ی تحصیلی با رشته ی تحصیلی دیگر تفاوت دارد اما یک دسته از این راهکارها برای همه ی دانشجویان یکسان میباشد برا مثال اساتید با مدیریت درست کلاس و فراهم کردن اوقات شیرین در حین درس دادن و همچنین با افزایش مهارت های اساسی تدریس، می توانند عملکرد تحصیلی دانشجویان را بهبود بخشند. استفاده از منابع و جزوات مناسب برای تدریس که برای دانشجویان قابل فهم و جالب برای یادگیری و جدید باشد و همینطور تدریس درست منابع درسی می تواند باعث بهبود انگیزه ی پیشرفت تحصیلی گردد.

یکی از عوامل مهم برای ایجاد انگیزه ی پیشرفت تحصیل در دانشجویان مناسب بودن جو کلاس است که استاد می تواند با فعالیت های مختلف آن را فراهم آورد. حل کردن تمرین بحث و گفتگو و دو طرفه بودن رابطه ی استاد و دانشجو از این دسته فعالیت ها میباشد. و یکی دیگر از دلایل پیشرفت تحصیلی دانشجویان فراهم آوردن جو مناسب برای تحصیل و هدف گذاری برای آینده از طرف دانشگاه میباشد.

در ادامه پیشنهاداتی برای تهیه محتوای آموزشی مناسب ارائه می گردد:

✓ محتوای آموزشی علاوه بر آنکه باعث رشد مهارت و توانمندی در فراگیران می شود، باید مفاهیم و اصول اساسی را نیز دربر گیرد.

- ✓ سودمندی: محتوای مفید و کاربردی دانش و اطلاعات لازم را در خصوص مهارت‌های موردنظر، به فراگیران ارائه می دهد.
- ✓ محتوای آموزشی نباید خارج از توان و قابلیت درک فراگیران باشد، بلکه باید با رشد همه جانبه فراگیران همخوانی داشته باشد.
- ✓ محتوای آموزشی باید به گونه ای سازماندهی شود که فراگیران با توجه به میزان و توانایی درک و یادگیری، قدرت انتخاب داشته باشند.
- ✓ محتوای آموزشی باید به گونه ای باشد که برداشتهای فراگیران در بخشهای مختلف برای تأیید یکدیگر باشد.
- ✓ مطالب باید در یک مسیر مشخص و به صورت منطقی و با توجه به مطالب آن رشته و یادگیریهای قبلی فراگیران تهیه و تنظیم شود.
- ✓ محتوای آموزشی باید متناسب با شرایط و نیازهای روز باشد و منبع آن جدید و اعتبار علمی کافی داشته باشد.
- ✓ محتوای آموزشی باید براساس تحلیل مفاهیم اساسی و شناخت روشهای درست، بر پروراندن و رشد اندیشه تأکید داشته باشد نه انتقال انبوهی از اطلاعات علمی.
- ✓ محتوای آموزشی باید فراگیران را برای زندگی اجتماعی و شغلی آینده و برخورد با مسائل آن آماده سازد.
- ✓ محتوای آموزشی باید به گونه ای ارائه شود که یادگیری بعدی را ضروری سازد و بیانگر آموزش مداوم در چهارچوب آموزش رسمی و غیررسمی باشد.
- ✓ محتوای آموزش باید بر انواع فعالیتهای یادگیری تأکید داشته باشد و فراگیر را به فعالیتهای مختلف آموزشی ترغیب کند.

منابع

- ابوالقاسمی، مهدی و میرالی رستمی، ام کلثوم. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشکده های فنی مهندسی دانشگاه تهران جهت ارائه مدلی برای پیش بینی پیشرفت تحصیلی آنها، فصلنامه آموزش مهندسی ایران، دوره ۱۵، شماره ۵۸، تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۸۴-۶۷.
- ایمانی، مهدی، قنبری، شعله، فولادزاده، زهرا، جلیل پور، زین العابدین، رضازاده، زهرا، اکرم، (۲۰۱۶).، بررسی میزات تاثیر روش های تدریس نوین در پیشرفت تحصیلی، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی قانون و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم پورآتشی، مهتاب و زمانی، اصغر. (۱۳۹۷). تاثیر عوامل آموزشی بر فرسودگی تحصیلی دانشجویان مهندسی کشاورزی، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۹-۲، شماره ۱، ص ۱۵۱-۱۶۳.
- تمنایی فر، محمدرضا و گندمی، زینب. (۱۳۹۰). رابطه انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان، راهبردهای آموزش دوره چهارم بهار ۱۳۹۰ شماره ۱ (پیاپی ۱۱).
- جلیلی، محمد، (۱۳۹۰)، مروری تحلیلی بر مفهوم محیط در ادبیات روانشناسی محیط، منظر، ۱۲_ ۲۸_ ۳۱
- حسینی، نرگس؛ احقر، قدسی؛ اکبری، ابوالقاسم؛ و شریفی، نسترن. (۱۳۸۷). پرسشنامه های پژوهشی در زمینه روان شناسی، مشاوره، علوم تربیتی و جامعه شناسی، تهران: سخن.

حقانی، فریبا، ملاباشی رویا، جمشیدیان، سپیده، معما زاده، مهرداد، (۱۳۸۷)، وضعیت محیط فیزیکی درمانگاههای آموزشی بیمارستان های علوم پزشکی اصفهان، جز جدایی ناپذیر فرایند یاددهی - یادگیری در درمانگاه، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۸ (۲): ۲۳۹-۲۴۵

حمیدی فر، فاطمه؛ زمانی مزده، مهدی؛ و فهیمی نجم، طاهره. (۱۳۹۶). بررسی نقش عوامل آموزشی بر یادگیری دانشجویان، تحقیقات مدیریت آموزشی، دوره ۸، شماره ۳۲، صفحه ۱۵-۴۰

رجبی، نصیبه؛ چراغعلی، محمود رضا و کلانتری، سهیلا. (۱۳۹۶). رابطه بین سبکهای تدریس کلاس با انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان، نوید نو، دوره ۲۰، شماره ۶۴، ص ۶۰-۵۱.

رضانی نژاد، رحیم، همتی نژاد، مهرعلی م و مالکی، غلامرضا. (۱۳۸۲). بررسی مشکلات مدیریت کلاسهای تربیت بدنی از دیدگاه معلمان. فصلنامه المپیک سال یازدهم. صص ۷۵-۸۲.

شاوران، حمیدرضا؛ سلیمی، قربانعلی و همایی، رضا. (۱۳۸۷). سنجش عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه اصفهان بر اساس فرهنگ های چندگانه آنان، نشریه پژوهشی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۹، شماره ۱.

صادقی موحد، فریبا، مولوی، پرویز، صمدزاده، مهدی، شهباززادگان، بیتا، یوسفی، کامل (۱۳۹۲) عوامل فردی و محیطی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، مجله سلامت و مراقبت - ۱۵ (۳). ص.ص ۳۸-۴۷. شاپا ۶۷۹۹-۲۲۲۸.

طلایی، کامران (۱۳۹۹)، بررسی تاثیر جو روانی - اجتماعی کلاس درس بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدرسه شهید کرمی شهر یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸، نهمین کنفرانس ملی روانشناسی، علوم تربیتی و اجتماعی

عابدی، احمد، عربی، حمیرضا، سبحانی نژاد، مهدی، (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با ویژگی شخصیتی آنها، دومانهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد سال دوازدهم_دوره جدید _شماره ۱۲

عطوفی سلمانی، محمدرضا، بهاری، دکتر سیف الله، گودرزی ملایری، دکتر بهزاد، (۱۳۸۷)، بررسی جو روانی اجتماعی کلاس بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ی پنجم ابتدایی شهرستان کاشان، فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، سال سوم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۷

عزیزی، کلثوم. (۱۳۹۶). بررسی رابطه انعطاف پذیری استادان با پیشرفت تحصیلی دانشجویان، <https://civilica.com/doc/675280/>

قوامی راد، رضا، یوسف منش، محمد، جمالیان زاده، سید برزو، (۱۳۹۹)، تدریس و نوع ارزشیابی بر خلاقیت و قوه تخیل در دانش آموزان ابتدایی، هشتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران

کاظمی، سیما، محمدی، یحیی، رئیسون، محمدرضا، بررسی وضعیت مدیریت کلاس اساتید دانشگاه علوم پزشکی بیرجند از دیدگاه دانشجویان، پژوهش در آموزش علوم پزشکی / زمستان ۱۳۹۴: ۷ (۴)

کرامتی ، محمدرضا ، انصاری زاده ، فهیمه ، ایزان ، محسن ، تاثیر مدیریت کلاس درس بر اساس رویکرد مشارکتی بر پیشرفت تحصیلی درس علوم ، دوماهنامه علمی-تخصصی مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه سال چهارم، شماره ۵ (پیاپی: ۱۹)، دی ماه ۱۳۹۸

گلمرادی زاده، صبا، سالاری چینه، پروین. (۱۳۹۴). بررسی رابطه استاد و دانشجو و تاثیر آن بر یادگیری دانشجو ، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی ، علوم تربیتی و سبک زندگی

محمدی، علی، محمدی، جمشید، (۱۳۹۲)، ادراک دانشجویان از محیط یادگیری و آموزشی در دانشگاه علوم پزشکی زنجان ، مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی دوره ۶، شماره ۱۱، پاییز، ۹۲، صفحات ۵۰ تا ۶۰

طبائیان، سیده مرضیه، حبیب ، فرح، عابدی، احمد، (۱۳۹۰) دیدگاه دانش آموزان دبیرستان های مطلوب و نامطلوب نسبت به رنگ فضای آموزشی و راه های بهبود کیفیت فضای تحصیلی ، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۳۸: ۹۳_ ۱۰۶.

مرتضوی، سعیده (۱۳۸۸)، ارگونومی و پیشگیری از معلولیت دانش آموزان ، فصلنامه تعلیم و تربیت استثنایی، ۹۸ و ۹۹: ۵۳ تا ۶۵.

